



تأثیر زندان بر تکرار جرم زنان

شهبلا معظمی *

مهسا شیروی **

معصومه صالحی ***

تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۹/۳۰ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۴/۲/۲

چکیده

این مقاله باهدف تبیین تأثیر زندان بر تکرار جرم زنان و تکرار جرم مددجویان آزاد شده؛ با بهره‌گیری از تئوری‌های جامعه‌شناسی و آسیب‌های اجتماعی نظیر آنومی، برچسب‌زنی، خرده فرهنگ بزهکاری، معاشرت ترجیحی؛ به بررسی علل و عوامل تکرار جرم زنان، به عنوان یک مسئله اجتماعی مهم در جامعه پرداخته و بر ارائه راه‌های کاهش تکرار جرم مددجویان آزاد شده تمرکز می‌نماید. پرسش اصلی این پژوهش عبارتست از این‌که چه عواملی بر تکرار جرم و بازگشت مجدد زنان به زندان مؤثر است. روش مطالعه‌ی این پژوهش به شیوه پیمایشی و با استفاده از ابزارهای پرسش‌نامه محقق ساخته توأم با مشاهده و مصاحبه می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش کلیه زندانیان زندان رجایی شهر در سال ۱۳۹۰ می‌باشد. نمونه آماری ۲۰۰ نفر از زندانیان سابقه دار مرد و زن -در دو گروه شاهد و تجربی- بوده که به صورت نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌بندی شده انجام گرفته است. اطلاعات جمع‌آوری شده با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی و آزمون‌های پیرسون، کای سکوئر (خی ۲) و با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. یافته‌های تحقیق حاضر نشان می‌دهد که بین عوامل فردی از قبیل سن، تحصیلات، ... و بازگشت مجدد به زندان رابطه وجود دارد، همچنین آزمون‌های آماری معتبر گویای این موضوع است که بین میزان عدم‌پذیرش در خانواده و محیط اجتماعی رابطه معکوس وجود دارد. به عبارتی هرچه میزان پذیرش زندانی از سوی خانواده و محیط اجتماعی پس از آزادی کمتر باشد امکان بازگشت مجدد بیشتر خواهد بود.

کلید واژه‌ها

زندان، تکرار جرم، زنان، عدم پذیرش در خانواده، مراقبت بعد از خروج

*. دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران، تهران، ایران

** . دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات. تهران، ایران

Mahsa_shiravi@yahoo.com

*** . کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی

مقدمه

زندان یکی از مهم‌ترین ابزار دفاع در مقابله با پدیده جرم و شخص مجرم است. اگرچه فلسفه اصلی تأسیس زندان‌ها، تأمین منافع جامعه از طریق اصلاح و تربیت مجرمین و پیشگیری از تکرار جرم است، اما مطالعات و پژوهش‌های علمی متعدد نشان می‌دهد؛ اغلب زندان‌ها در اصلاح زندانیان موفق نبوده‌اند و افرادی که عملاً به زندان افتاده‌اند، از ارتکاب جرم بازداشته نشده‌اند. در این خصوص بررسی آمارهای تکرار جرم زندانیان در کشورهای مختلف مؤید این مطلب است که در اغلب کشورها، بازگشت مجدد به زندان حتی در کشورهای متمدنی و پیشرفته وجود دارد. براساس نتایج حاصله از یک بررسی آماری از تکرار کنندگان جرم در آمریکا مشخص شد که نرخ تکرار جرم در ایالات مختلف این کشور براساس برخی متغیرها از جمله گروه نژادی، پیر یا جوان بودن، پیچیدگی یا میزان حرفه‌ای بودن جرایم بین ۲۶٪ تا ۴۶٪ در نوسان است (ALLEN.J BECK, 2009). در ایران نیز میزان تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان‌های کشور در سال ۱۳۸۸، ۳۵٪ اعلام شده البته این رقم به دلایل مختلف کمتر یا بیشتر از میانگین تکرار جرم کشوری می‌باشد (دفتر آمار رایانه سازمان زندان‌ها). از این‌رو جای بررسی دارد که بدانیم هدف از حبس و زندانی نمودن مجرم چیست؟ آیا زندان باید فقط برای «تنبیه» کردن مجرم بکار رود تا افرادی که در زندان به سر می‌برند پس از آزادی مرتکب جرم نشوند، یا هدف «اصلاح» و باز پروری و باز اجتماعی کردن مجرم است. در اکثر مواقع کسانی که گرفتار بزهکاری می‌شوند فرصت‌های جبران ناپذیری را از حیث کار، تحصیل، خانواده، و... از دست می‌دهند. وجود چنین سابقه نامطلوبی در زندگی آینده آنها تأثیر بسزایی دارد و این قبیل افراد معمولاً از طرف جامعه و خانواده طرد می‌شوند و امکان بازگشت آنها به عنوان یک فرد عادی به جامعه با مشکلات فراوانی روبرو می‌باشد؛ با این اوصاف مشکلات زنان در مواجهه با زندان دو چندان می‌شود، که با عدم حضور آنان در خانواده آغاز می‌شود. نبود زن و مادر در خانه، خطر برچسب‌زنی به خانواده را افزایش داده و مشکلات روحی فرزندان را در پی دارد. مطالعات و تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد که زندان، خود، برای بسیاری از زندانیان با تجربیات منفی که از محیط زندان کسب می‌کنند، بسیار نا امید کننده است؛ (حاتمی خواجه، ۱۳۸۶، ۹۵). جامعه بین‌الملل به ویژه جوامع پیشرفته به این نتیجه رسیده‌اند که زندان نمی‌تواند در کاهش جرم و بزهکاری نقش تعیین کننده‌ای داشته باشد. بارها اعلام شده در عمل، زندان به مدرسه آموزش جرم تبدیل شده است (آشوری، ۱۳۸۲، ۴۵). با این حال علی‌رغم توصیه‌های سازمان ملل متحد مبنی بر استفاده از زندان به عنوان آخرین حربه هنوز هم در زراد خانه‌های کیفری، در صدر سیاهه‌ی مجازات‌ها قرار گرفته است. این پژوهش به دنبال یافتن پاسخ برای این سؤالات است که عوامل مؤثر بر تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان کدامند؟ آیا حبس اول بر جرایم بعدی تأثیرگذار است؟ آیا زندان و عوامل محیطی آن بر تکرار جرم و بازگشت مجدد فرد تأثیرگذار است؟ آیا میزان و نوع خدمات مرکز مراقبت بعد از خروج بر تکرار جرم و بازگشت مجدد فرد به زندان تأثیرگذار است؟ آیا عدم پذیرش از سوی خانواده و جامعه

بر تکرار جرم و بازگشت مجدد فرد به زندان تأثیرگذار است؟ آیا عوامل فردی بر تکرار جرم و بازگشت مجدد فرد به زندان تأثیرگذار است؟

اهداف تحقیق

- شناخت عوامل مؤثر در تکرار جرم مددجویان زن.
- شناخت موقعیت‌های پذیرش و عدم پذیرش در محیط‌های مختلف اجتماعی و خانوادگی پس از آزادی.
- شناخت شرایط و موقعیت‌هایی که زمینه بازگشت مجدد مددجویان به زندان را فراهم می‌کند.
- ترسیم دیاگرام مدل علمی - تحلیلی برای تبیین عوامل مؤثر در بازگشت مددجویان زن به زندان.

پیشینه تحقیق

در زمینه رابطه تکرار جرم و بازگشت مجدد با تأثیر عوامل محیطی زندان و پذیرش از سوی جامعه تحقیقاتی در ایران صورت گرفته است. از جمله عبدی، کرمی زاده (۱۳۸۱)، احمدی (۱۳۸۲)، اسمعیلی، شریفیان (۱۳۸۴)، پاکیده و مهدوی (۱۳۸۷)، اسلامی اندارگلی (۱۳۸۸)، حیدری (۱۳۸۹)، جانقلی (۱۳۸۹)، تحقیق کمبریج (۱۹۶۲)، نادیرا و پیرساد (۲۰۰۰)، که همگی عوامل مؤثر تکرار جرم را به عوامل فردی، خانوادگی و محیط اجتماعی تقسیم بندی می‌کنند. همچنین نجفی توانا و میلیکی، راهب (۱۳۸۶)، عوامل محیطی زندان را در گرایش افراد به تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان مؤثر می‌دانند. از جمله تحقیقاتی که در سایر کشورها انجام گردیده می‌توان به منابع زیر اشاره نمود:

1. Bushway S. D.,
2. Paternoster R.
(2009). The impact of prison on crime. In Raphael S., Stoll M. A. (Eds.), Do prisons make us safer? The benefits and costs of the prison boom (pp. 119-150). New York: Russell Sage.
3. Caputo G. A.
(2004). Intermediate sanctions in corrections. Denton: University of North Texas Press.
4. Chen M. K.,
5. Shapiro J. M.
(2007). Do harsher prison conditions reduce recidivism? A discontinuity-based approach. American Law and Economic Review, 9, 1-29.
6. Cullen F. T.,
7. Fisher B. S.,
8. Applegate B. K. (2000). Public opinion about punishment and corrections. In Tonry M. (Ed.), Crime and justice: A review of research (Vol. 14, pp. 1-79). Chicago: University of Chicago Press.
9. Cullen F. T.,
10. Jonson C. L. (2012). Correctional theory: Context and consequences. Thousand Oaks, CA: SAGE.
11. Durlauf S. N.,

12. Nagin D. S. (2011). Imprisonment and crime: Can both be reduced? *Criminological and Public Policy*, 10, 13-54.
13. Farrington D. P.,
14. Welsh B. C. (2007). *Saving children from a life in crime: Early risk factors and effective interventions*. New York: Oxford University Press.
15. Felson M.,
16. Boba R. (2010). *Crime and everyday life* (4th ed.). Thousand Oaks, CA: SAGE.
17. Gatti U.,
18. Tremblay R. E.,
19. Vitaro F. (2009). Iatrogenic effect of juvenile justice. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, 50, 991-998.
20. Jonson C. L. (2010). The impact of imprisonment of reoffending: A meta-analysis. Unpublished doctoral dissertation, University of Cincinnati, OH.
21. Kleiman M. A. (2009). *When brute force fails: How to have less crime and less punishment*. Princeton, NJ: Princeton University Press.
22. Langan P. A.,
23. Levin D. J. (2002). *Recidivism of prisoners released in 1994*. Washington, DC: Bureau of Justice Statistics, U.S. Department of Justice.
24. Latessa E. J.,
25. Cullen F. T.,
26. Gendreau P.
27. MacKenzie D. L. (2006). *What works in corrections: Reducing the criminal activities of offenders and delinquents*. Cambridge, UK: Cambridge University Press.
28. Moore N. T.,
29. May D. C.,
30. Wood P. B. (2008). Offenders, judges, and officers rate the relative severity of alternative sanctions compared to prison. *Journal of Offender Rehabilitation*, 46(3-4), 49-70.
31. Nagin D. S.,
32. Cullen F. T.,
33. Jonson C. L. (2009). Imprisonment and reoffending. In Tonry M. (Ed.), *Crime and justice: A review of research* (Vol. 38, pp. 115-200). Chicago: University of Chicago Press.
34. Nagin D. S.,
35. Snodgrass G. M. (2010). The effect of incarceration on recidivism. Paper presented at the annual meeting of the American Society of Criminology, San Francisco.
36. Nieuwbeerta P.,
37. Nagin D. S.,
38. Blokland A. A. (2009). The relationship between first imprisonment and criminal career development: A matched samples comparison. *Journal of Quantitative Criminology*, 25, 227-257.
39. Petrosino A.,
40. Turpin-Petrosino C.,

41. Guckenburg S. (2010). Formal system processing of juveniles: Effects on delinquency. Oslo, Norway: The Campbell Collaboration.
42. Sabol W. J.,
43. West H. C.,
44. Cooper M. (2009). Prisoners in 2008. Washington, DC: Bureau of Justice Statistics, U.S. Department of Justice
45. Smith P.,
46. Gendreau P. (2010). A longitudinal examination of inmate behavior and program activities on institutional adjustment and recidivism. Unpublished paper, University of Cincinnati, OH.
47. Spohn C.,
48. Holleran D. (2002). The effect of imprisonment on recidivism rates of felony offenders: A focus on drug offenders. *Criminology*, 40, 329-347.

فرضیه‌های مطرح در این پژوهش عبارتند از:

- بین میزان عدم پذیرش (از سوی جامعه و خانواده) با تکرار جرم رابطه معکوس وجود دارد.
- بین عوامل محیطی زندان (امکانات رفاهی، محل اسکان و...) با تکرار جرم همبستگی وجود دارد.
- بین جرم اول با تکرار جرایم بعدی رابطه معنی داری وجود دارد.
- بین میزان خدمات مرکز مراقبت بعد از خروج با تکرار جرم همبستگی وجود دارد.
- بین عوامل و ویژگی‌های فردی (سن، تأهل، درآمد و...) با میزان تکرار جرم تفاوت معنی داری وجود دارد.

روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش از نوع توصیفی پیمایشی است که با استفاده از پرسش‌نامه محقق ساخته با ۳۶ سؤال باز و بسته، با طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت سنجیده شده است. جامعه آماری این تحقیق، کلیه زندانیانی که در سال ۱۳۹۰ در زندان رجایی شهر کرج به سر می‌برند، نمونه آماری شامل زندانیان سابقه‌دار زن و مرد که تعدادشان ۸۴۰ نفر بوده است، می‌باشد. حجم نمونه این تحقیق ۲۰۰ نفر بوده که با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل از آمار توصیفی و استنباطی و از آزمون‌های، کای سکوئر (خی ۲)، ضریب همبستگی پیرسون و اسپیرمن استفاده شده است. این کار با بهره‌گیری از نرم افزار SPSS انجام گرفته شده است.

طرح مسأله

تکرار جرم، از جمله دقیق‌ترین مباحث حقوق کیفری است؛ که علاوه بر این که نشانه ناتوانی بزهکار در جهت باز اجتماعی شدن و انطباق با حیات عاری از جرم است، بیانگر کاستی‌های نهاد‌های مجری

عدالت کیفری جهت بازسازی بزهکار و همچنین پیشگیری از جرم نیز هست. تردیدی نیست که اعمال مجازات‌های فوق‌العاده خشن که موجب طرد یا حذف کامل بزهکار از جامعه می‌گردید مانع از آن بوده است که تکرار جرم پدیده‌ای شایع و قابل توجه باشد؛ از این رو کشورها تا قبل از دهه‌ی هفتاد میلادی توجه چندانی به تکرار جرم نداشتند. کم‌کم کمرنگ شدن آرمان «مجازات بیشتر، تکرار جرم کمتر» و گسترش اندیشه بازپروری بزهکاران و کاهش خشونت مجازات‌ها و در نتیجه امکان بازگشت به جامعه پس از تحمل کیفر، باعث شد تا فرصت تکرار جرم نیز به آنها داده شود. بنابراین اصلاح قوانین کیفری و انسانی کردن آنها، اگرچه آثار بسیار مثبتی را در پی داشته است، لیکن زمینه‌ساز فرصت ارتکاب مکرر جرم نیز بوده است (PRATT, 2007, 12). اما بعدها در عمل با افول آرمان بازپروری بزهکاران و هزینه تکرار جرم برای دولت‌ها، همچنین ترس از جرم و احساس ناامنی طبیعی و یا ساختگی توسط رسانه‌ها، سبب افزایش خواسته‌های مردم از دولت برای در خصوص مقابله با بزهکاران شد. از این رو با یک عوام‌گرایی کیفری (PENAL POPULISM) و یا به عبارت دیگر اولویت دادن به خواسته‌های مردم در برابر نظرات کارشناسان در خصوص شیوه برخورد با بزهکاران. عوام‌گرایی کیفری که برآمده از احساس ناامنی طبیعی و ساختگی افراد جوامع مختلف بوده است، زمینه‌های لازم را جهت ظهور رویکرد مدیریت خطر جرم و یا فرهنگ جدید جرم فراهم آورده است. (نوروزی، بارانی، سرکشکیان، ۱۳۹۰، ۱۹۸)

تعریف تکرار جرم

با توجه به اینکه محققان جرم‌شناسی و آسیب‌شناسی اجتماعی با روش‌های مختلف به بررسی موضوع جرم و تکرار جرم می‌پردازند لذا تعریف یگانه و مشترکی برای تکرار جرم وجود ندارد و از این حیث تعاریف متعدد و متنوعی توسط متخصصان و کیفرشناسان ارائه گردیده است. به‌طور کلی تعدد و تکرار جرم از علل تشدیدکننده مجازات‌ها هستند. زیرا هر دو دلالت بر حالت خطرناک بزهکار و آمادگی او برای ارتکاب جرایم دیگر دارند در حقوق ایران معیارهای مختلفی از تکرار جرم پذیرفته شده است و بر این اساس تعریف تکرار جرم در ایران، تابعی از قانون کیفری است. با توجه به ماده ۲۴ قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ می‌توان به‌طور کلی به تعریف پروفسور گارو از تکرار جرم بسنده نمود که مطابق آن تکرار جرم حالت کسی است که بعد از صدور حکم محکومیت او از دادگاه صالح و قطعیت آن حکم، مرتکب جرم دیگری شود لذا تکرار جرم به دو عنصر تجزیه می‌شود یکی محکومیت قبلی و دیگری ارتکاب جرم بعدی. البته با جمع‌بندی معیارها و متغیرهای مأخوذه از قوانین کیفری ایران در طول قرن حاضر می‌توان این‌گونه بیان نمود که تکرار جرم وضعیت مجرمی است که سابقه محکومیت جزایی داشته و مجدداً مرتکب جرم دیگری شده است. در این حالت است که تکرار جرم تحقق پیدا کرده و مجرم مشمول مجازات سنگین‌تر قرار می‌گیرد. (حیدری، ماهنامه اصلاح و تربیت، ۱۳۸۹، ۱۰)

گردد، چنانچه قبل از ارتکاب جرم دوم یا چندم برای جرم یا جرایم قبلی اش تحت تعقیب قرار گرفته و به محکومیت قطعی محکوم شده باشد، در این صورت مرتکب در موقع رسیدگی مشمول قاعده تکرار جرم خواهد گردید. (غلامی، ۱، همان، ۶۷) بدین ترتیب وقتی شخص واحد مرتکب جرائم متعدد می‌شود دو فرض قابل تصور است:

۱- ارتکاب جرم یا جرائم بعدی به هنگامی صورت گیرد که جرائم قبلی هنوز کشف یا حکم محکومیت قطعی درباره آنها صادر نشده باشد. این مورد تعدد جرم است؛ زیرا با وضعیت مرتکبی روبرو هستیم که بیش از یک جرم مرتکب شده، اعم از این که جرایم متعدد را توأمان و در زمان نزدیک به هم یا این که در زمان‌های کم و بیش طولانی مرتکب شده باشد و نسبت به هیچکدام از جرایم ارتكابی به محکومیت‌های قطعی نرسیده باشد.

۲- در فرض دوم جرم یا جرائم بعدی پس از آن که در مورد جرم قبلی حکم محکومیت قطعی صادر شده است ارتکاب می‌یابد و این تکرار جرم است.

شبهت تعدد و تکرار جرم در ارتکاب بیش از یک جرم توسط مرتکب است و تفاوت آنها نیز وجود محکومیت قطعی مرتکب قبل از ارتکاب جرم یا جرایم بعدی می‌باشد. در صورت عدم وجود محکومیت قطعی، ارتکاب جرم یا جرایم بعدی مشمول تعدد جرم می‌باشد. لازم به یادآوری است که، قواعد حاکم بر تعدد و تکرار جرم در جرایم تعزیری و غیرتعزیری (حدود، قصاص، دیات) با یکدیگر متفاوت‌اند.

تعریف نظری تکرار جرم

مفهوم تکرار که معادل انگلیسی RECIDIVISM و معادل عربی آن «عود» است از واژه لاتین RECIDERE مشتق می‌شود که به معنی سقوط مجدد FALL BACK است. در این معنی تکرار جرم به‌عنوان یک موضوع حقوق کیفری عبارت است از بازگشت یک فرد به ارتکاب رفتار جنایی، بعد از این که به علت ارتکاب جرم پیشین محکوم به مجازات حبس و به فرض اصلاح محکوم شده است. (غلامی ۱، ۱۳۸۷، ۴۴). همچنین در راستای تعریف نظریه تکرار جرم، مفهوم بزهکاری به عادت نیز مطرح است و این عنوان کسی است که صفات مجرمانه آشکار یا پنهانی در ساختار درونی او وجود دارد اما او مجنون نبوده یا دچار نقص روانی نمی‌باشد. کسی که مستمراً مرتکب جرمی می‌شود و برای جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند خطرناک محسوب می‌شود. (همان منبع، ۴۵)

پدیده مجرم حرفه‌ای

براساس تئوری‌های معاشرتی (DIFFERENTIAL THEORY) ساترلند (SUTHERLAND)، جرم حرفه‌ای (CAREER CRIME) اصولاً به رفتار مجرمانه‌ای اطلاق می‌شود که به‌عنوان یک زمینه اشتغال جهت تحصیل درآمد مورد ارتکاب قرار می‌گیرد. توسعه این حرفه با ورود و اجتماعی شدن بزهکار در دنیای جرم که همراه با تکمیل مراحل متعددی از جمله فراگیری مهارت‌های لازم و

آگاهی از بازار فروش فراورده‌های این حرفه است، انجام می‌پذیرد. «دپارتمان عدالت کیفری آمریکا» با توجه به کثرت و شهرت جرایم ارتكابی مجرمین جهت تعریف مجرم حرفه‌ای مقرر می‌دارد: "مجرم حرفه‌ای کسی است که دو سال سابقه بازداشت یا محکومیت برای جرایم شدید داشته باشد یا آن که حائز تعداد بسیار زیاد و غیرمتعارفی از توقیف‌ها یا محکومیت‌ها برای درجات مختلفی از جرایم سنگین باشد" (غلامی ۲، ۱۳۸۲، ۲۸۹).

با وجود ایرادهایی که به این تعریف وارد شد، نویسندگان با توجه به عناصر زیر به تعریف حرفه مجرمانه پرداختند:

- **تعداد:** اولین شرط ضروری برای تحقق حرفه مجرمانه این است که حداقل شامل دو جرم گردد.
 - **حتمیت:** باید بطور متعارف مطمئن شویم که حداقل دو جرم در حال حاضر به وسیله مجرم منظور مورد ارتكاب قرار گرفته است؛ در نتیجه ضروری است مرتکب، مجرم شناخته شود.
- بدین ترتیب با در نظر گرفتن معیارهای فوق می‌توان مجرم حرفه‌ای را این‌گونه تعریف کرد: مجرمی است که دارای حداقل دو محکومیت به ارتكاب جرایم شدید و نسبتاً محتمل است که در مدت زمان کوتاهی به خاطر ارتكاب جرم شدید دیگری مورد توقیف مجدد قرار بگیرد.

مجرمیت زنان

اصولاً در جرم‌شناسی میزان مجرمیت زنان کانون توجه اصلی تبیین‌های جرم‌شناسانه نبوده است. چون آمار رسمی حاکی از پایین بودن میزان مجرمیت زنان نسبت به مجرمیت مردان است، جرم‌شناسان نیز به دنبال چرایی این مسئله بودند. البته، برخی از نظریه پردازان بر این باورند که مجرمیت زنان کمتر از مجرمیت مردان نیست بلکه کمتر آشکار است ولی بیشتر نظریه‌پردازان معتقدند که اختلاف‌های موجود در آمارهای مبنی بر اختلاف‌های واقعی میان این دو نوع مجرمیت است. پژوهش‌های متعدد و بسیاری در این حوزه انجام شده است. (کی‌نیا، ۱۳۸۶، ۱۵۵). بزهکاری سیاه یا پنهان بین زنان بسیار است زیرا به همان اندازه که به جرایم خشن بی‌علاقه‌اند به ارتكاب جرم در خفا علاقه دارند و بسیاری از جرایم آنها نظیر جرایم جنسی و سرقت از فروشگاه‌ها کشف نمی‌شود. برخورد سیستم عدالت کیفری با زنان متهم معمولاً با انعطاف صورت می‌گیرد؛ چنان‌که نمی‌توان ادعا کرد زن دارای تیپ مجرمانه نیست زیرا کمتر فرصت ارتكاب جرم پیدا می‌کند، محدودیت‌های خانوادگی، گرفتاری ناشی از تربیت بچه، دوران حاملگی و قاعدگی، همسراری و... نوعی پیشگیری وضعی برای زنان به حساب می‌آید (معظمی، ۱۳۸۳، ۵۲۳).

نظریه‌ی جامعه‌شناختی مجرم و بزهکاری

براساس طبقه‌بندی هاگان، نظریات جامعه‌شناسی انحراف، به سه رویکرد تقسیم شده است که عبارتند از:

۱. رویکرد کارکردی - ساختی ۲. رویکرد کنش متقابل نمادین ۳. رویکرد تضاد

تئوری‌های کارکرد گرایی ساختاری بر روی نهادهایی مانند خانواده و مدرسه که به اجتماعی کردن افراد به منظور هم‌نوا کردن رفتار آنها با ارزش‌های اصلی جامعه می‌پردازد، تمرکز می‌کند. این نظریه‌ها به این مسئله می‌پردازد که چرا برخی از افراد از طریق انجام رفتارهای انحرافی به مقابله با توافقی‌های جمعی می‌پردازد؟ چرا برخی از افراد از ارزش‌هایی که برای اکثریت جامعه مهم است سرپیچی می‌کنند؟ نظریه‌ای یادگیری اجتماعی، کنترل اجتماعی، بی‌سازمانی اجتماعی، فرصت‌های متفاوت، خرده فرهنگی و آنومی که زیر مجموعه این رویکرد می‌باشند به این سؤالات به شیوه‌های متفاوت پاسخ می‌گویند. (گلچین، ۱۳۸۵، نامه علوم اجتماعی، ۱۲۷). از نظر تعامل گرایان، کجرو یا منحرف به کسی گفته می‌شود که از جانب سایر افراد جامعه مورد مؤاخذه قرار گرفته باشد. این دیدگاه به فرد کجرو، انگیزه‌ها، فشارها و تعامل بین او و کسانی که وی را منحرف قلمداد می‌کنند توجه دارد. سرانجام رویکرد تضادگرا به نوعی به نظریه‌های بر چسب‌زنی ارتباط دارند، اغلب روی نقش گروه‌های اجتماعی مسلط در تحمیل برچسب‌های قانونی بر اعضای گروه‌های اجتماعی حاشیه‌ای تمرکز می‌کنند و سعی دارند به این سؤال جواب دهند که چرا و چگونه این اتفاق می‌افتد. در این تئوری‌ها نابرابری و ظلم به‌عنوان علل بزهکاری دانسته شده است. (همان، ۱۲۸)

نظریه آنومی

یکی از نظریات مطرح در بررسی مسائل جامعه زندان،

نظریه آنومی است. مرتون (MERTON) از مفهوم بی‌هنجاری که برای نخستین بار توسط دورکیم (DURKHEIM) یکی از بنیان‌گذاران جامعه‌شناسی مطرح گردید، برای پروراندن نظریه پر نفوذی درباره کجروی بهره گرفت. مرتن می‌گوید هنگامی که فرد دچار حالت «آنومیک» می‌شود وابستگی و احساس تعلق خود را به گروه از دست می‌دهد. هنجارهای گروهی را به عنوان سرمشق نمی‌پذیرد، از آنها می‌گریزد و برای مدتی در بی‌هنجاری، یا به تعبیر دورکیم کژ هنجاری به سر می‌برد؛ زیرا هنجار مطلوبی نمی‌یابد تا جایگزین هنجارهای پیشین سازد. برای اطمینان البته تمام هنجارها را از دست نمی‌دهد و خودش را کنار می‌کشد و کمتر خود را با دیگران هم‌نوا و همسان می‌یابد. (شیخاوندی، ۱۳۷۹، ۷۳)

نظریه خرده فرهنگ بزهکاری

کلووارد و او هلین (CLOWARD AND OHLIN) معتقدند خرده فرهنگ بزهکار فرصت‌هایی را برای آموختن و عمل کردن به نقش‌های بزهکارانه برای افراد فراهم می‌سازد. این فرهنگ همچون الگوهای موفقیت‌آمیز بزهکاری را فرا روی افراد می‌گذارد و فرصت‌های مناسبی برای آنان فراهم می‌کند تا این الگوها را بکار برند و بدین گونه نشان می‌دهند که بزهکاری امری عملی و همراه با پاداش است. کوهن نیز همانند مرتون محرومیت فرهنگی را عامل تعیین‌کننده در شکست و ناکامی

فرزندان طبقه کارگر در امر تحصیلی می‌داند. پسران این طبقه از کمبود و فقدان منزلت اجتماعی رنج برده و از پایگاه اجتماعی خود ناراضی‌اند؛ از این‌رو حرمان و ناکامی خود را با گرایش به بزهکاری از میان نمی‌برند، بلکه با امتناع از اهداف فرهنگی و آرمان‌های موفقیت اجتماعی می‌کوشند آنها را با اهداف و ارزش‌های دیگری که انسان را به کامیابی رهنمون می‌سازد، جایگزین سازد. (ولد، برنارد، اسنیپس، ۱۳۸۸، ۲۵۸). بدین ترتیب آنان عملاً به ایجاد و توسعه یک خرده فرهنگ بزهکار اهتمام می‌کنند. فرهنگ فرعی بزهکاری نه تنها فرهنگ جامعه را نمی‌پذیرد بلکه بر ضد آن عمل می‌کند. فرهنگ مذکور رضایت خاطر و خرسندی اعضاء را در خارج از محیط جستجو می‌کند و می‌کوشد نارضایتی و خستگی را از این طریق بر طرف کند. لذا با روی آوردن به اعمال هیجانی خستگی کار را بر طرف می‌کند. (همان، ۲۵۹)

نظریه معاشرت ترجیحی (همنشینی افتراقی)

ساترلند (SUTHERLAND)، یکی از اعضای مکتب شیکاگو، جرم را به آنچه که تفاوت ارتباطات نامیده است مربوط می‌داند. در جامعه‌ای که دارای خرده فرهنگ‌های متعددی است برخی محیط‌های اجتماعی معمولاً مشوق فعالیت غیرقانونی هستند، در صورتی که محیط‌های دیگر چنین نیستند. افراد از طریق ارتباط با دیگران که حاصل هنجارهای تبهکارانه هستند، بزهکار یا تبهکار می‌شوند. (گیدنز، ۱۳۷۳، ۱۴۰). مردم به نسبت همنشینی و ارتباطی که با قانون شکنان دارند، کجرو می‌شوند. ساترلند رفتار بزهکارانه را نشانی از تماس با اشخاص در اثر فرایند یادگیری می‌داند که مخصوصاً از رابطه شخصی در داخل یک گروه محدود نظیر خانواده، مدرسه، کوچه، محله و تعلیم گرفته می‌شود. یادگیری جرم در زندان نیز از طریق همنشینی و مجالست با افراد حرفه‌ای آغاز می‌شود؛ با نزدیک شدن روابط افراد در گروه با یکدیگر، رابطه‌ای صمیمانه با یکدیگر برقرار و آرام و دردهای روحی خود را در گروه بیان می‌کنند و با عمیق شدن این رابطه‌ها گاهی درباره ارتکاب جرم یا نحوه دستگیری خود حرف می‌زنند و امکان دارد که توسط پیشکسوتان راهنمایی شوند. به این طریق کم‌کم بزهکاران ابتدایی، حرفه‌ای‌تر می‌شوند. (سلیمی، داوری، ۱۳۸۶، ۴۸۸)

نظریه برچسب‌زنی

یکی از مهم‌ترین رویکردها برای درک تبهکاری نظریه برچسب‌زنی نام گرفته است. نظریه‌سازان برچسب‌زنی از جمله ادوین لمرت، کجروی را نه به‌عنوان مجموعه‌ای از ویژگی‌های افراد یا گروه‌ها، بلکه به‌عنوان یک فرایند کنش متقابل میان کجروان و ناکجروان تبیین می‌کنند؛ کنش متقابل بین اشخاصی به اصطلاح کج رفتار و همنوایان تحت فرمان معناهایی است که آنها به کنش‌ها یکدیگر تعریف می‌کنند، این معناها همان نمادها، تفسیرها، یا انگهائی است که مردم به یک کنش می‌دهند و از خود کنش مهم‌ترند. (صدیق سروسستانی، ۱۳۸۷، ۵۷). لمرت معتقد است برچسب‌زنی و منحرف

شناختن فردی که واقعاً منحرف نیست ممکن است او را به آدم منحرف واقعی تبدیل کند. تأیید برجسب انحراف فرد به‌طور رسمی یا غیررسمی موجب رفتار نامطلوب دیگران با او می‌شود و نه تنها او را از شکستن هنجارها باز نمی‌دارد بلکه موجب افزایش تمایل او به شرکت در گروه‌های منحرف نیز می‌شود و رشد شخصیت منحرف را در فرد تسهیل می‌نماید. به نظر می‌رسد طبق این نظریه، هیچ عمل اجتماعی صرف‌نظر از فضایی که عمل در آن اتفاق افتاده به خودی خود اشتباه، انحراف و بد نیست. (سلیمی، داوری، پیشین، ۴۲۳)

ضرورت مجازات‌های جایگزین حبس در مورد زنان زنان در مواجهه با کیفر حبس

هرچند تعداد زندانیان زن کمتر از مردان زندانی است و همیشه این گونه بوده است، بررسی‌ها نشان می‌دهد که نسبت زنان زندانی به مردان زندانی در نظام زندانبانی سراسر جهان بین ۲ تا ۸ درصد متغیر است. در ایران طبق آمار سازمان زندان‌ها تا خرداد ۱۳۸۷، درصد زندانبان مرد ۹۶/۰۷ و درصد زندانبان زن ۳/۲۹ اعلام شده است. (مرکز آمار ایران) نسبت کم زنان زندانی موجب می‌شود نظام‌های زندانبانی در بیشتر زندان‌ها از حیث معماری، امنیت، تسهیلات و امکانات مختلف بر پایه نیازها و مقتضیات زندانبان مرد سازماندهی می‌شوند. (شمس، ۱۳۸۷، ۲۳) در اکثر گزارش‌های مربوط به زندان‌ها و اصلاحات کیفری، زنان زندانی در درجه دوم اهمیت قراردارند. کریس (CHRIS TCHALIKOVKY، زندانی سابق و بنیان‌گذار زندان زنان، ارزیابی شخصی خود از زنان زندانی را به شرح زیر بیان کرده است "هر چیزی که یک زندانی باید در مورد مجازات بداند، می‌داند، زیرا مجازات دقیقاً چیزی است که زندانی با آن بزرگ شده است اعم از آن که در بچگی مورد سوءاستفاده جنسی قرار گرفته یا به او بی‌توجهی شده، فراموش شده، مجازات برای او مانوس‌تر است". (شیکر ۱۳۸۹، ۱۹۸)

مشکلات زنان زندانی پیش از ورود به زندان

می‌توان گفت زنان با مشکلات بیشتری وارد زندان می‌شوند. مشکلاتی که غالباً در زندان از آنها غفلت می‌شود که بویژه مسائل مربوط به سوء استفاده‌های جنسی و یا یادگیری با مواد مخدر مستلزم مراقبت‌ها و حمایت‌های بیشتر است در حالی که غالباً عکس این موضوع اتفاق می‌افتد و بیشتر چنین زنانی از همان برنامه‌های معمولی فراهم شده در زندان نیز محروم می‌مانند چرا که به‌طور تاریخی همواره تعداد و تنوع برنامه‌های اصلاحی تربیتی نظام‌های زندانبانی برای زنان در مقایسه با مردان زندانی کمتر بوده است. در آمریکا تعداد زندانبان زنی که مادر هستند به ۸۸ درصد می‌رسد که سه چهارم آنها نیز دارای کودکان زیر ۱۸ سال هستند. در برزیل وضعیت پیچیده‌تر است و ۶۵ درصد زندانبان مجرد هستند در عین حال ۸۷ درصد زندانبان دارای کودک هستند. (طفرانگار، ۱۳۸۷، ۱۸)

مشکلات زنان زندانی پس از ورود به زندان

باید گفت گفت که زنان زندانی در مقایسه با مردان مشکلات بیشتری را تحمل می‌کنند. ویژگی‌های خاص جسمی و فیزیولوژیکی زنان از جمله عادت ماهانه نیازمندی آنها به وسایل بهداشتی را بیشتر می‌کند که در مواردی حداقل امکانات بهداشتی در اختیار زنان زندانی قرار نمی‌گیرد. رویکردهای حقوق بشری تأکید دارد که زنان باردار به زندان فرستاده نشوند مگر این‌که واقعاً جایگزین دیگری وجود نداشته باشد و در صورت اجتناب‌ناپذیر بودن ارسال آنها به زندان تمهیدات لازم برای آنان پیش‌بینی شود؛ اما در عمل این اتفاق نمی‌افتد. جداسازی زنان زندانی از کودکانشان یا نگهداری آنها در محیط پرخطر زندان یکی از مشکلات جدی عدالت کیفری است؛ زندان‌ها مکان امنی برای زنان باردار، کودکان خردسال، شیرخوار نیست از طرفی جداسازی آنان از مادر مصلحت نیست. با همین داده‌های اندک می‌توان تا حدودی به این واقعیت تلخ رسید که زنان در زندان مشکلات بیشتری را تحمل می‌کنند. (طغرانگار، همان، ۱۹)

زنان و ضمانت اجرای جایگزین حبس

اصل بیستم قانون اساسی مقرر می‌دارد که "همه افراد ملت اعم از زن و مرد، یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند؛ طبق اصل بیست و یکم نیز دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین کند و در عین حال انجام امور زیر را عهده‌دار شود:"

- ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او
 - حمایت مادران، به خصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند و حمایت از کودکان بی‌سرپرست
 - ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کبان و بقای خانواده
 - ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی‌سرپرست
 - اعطای قیمومیت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه آنها در صورت نبودن ولی شرعی.
- بدیهی است که قانون‌گذار کیفری نیز در تعیین مجازات‌ها در ارتباط با زنان باید روح این اصول را مدنظر داشته باشد. از سوی دیگر این نکته مورد تأیید جامعه‌شناسان قرار گرفته است که "نگرش جامعه ایران معاصر مبتنی بر ارزش و اهمیت خانواده است" و بدون شک اگر هر اقدامی برای احقاق حقوق زنان منجر به تضعیف این نهاد و کمرنگ شدن نقش مادری و همسری زنان گردد نه به نفع زنان و نه به نفع کل جامعه خواهد بود. (طغرانگار، ۱۳۸۷، ص ۱۰)
- حال در جایی که لطمه به نقش مادری و همسری زنان حتی با هدف احقاق حقوق آنان زیان زنان و کل جامعه را در بر خواهد داشت چگونه می‌توان پذیرفت که لزوم تأمین مصالح عمومی (از طریق مجازات بزهکاران زن) به سادگی دستاویز سلب زنان از یکی از مهم‌ترین حقوق اساسی آنان (آزادی) آن هم به بهای لطمه به منافع زنان کل جامعه شود. (جانقلی، ۱۳۸۹، ۵۲).

به همین دلیل برخی این نکته را مورد تأمل جدی قرار داده اند که اصولاً یکی از هدف‌های اصلی کیفرها و اقدامات تأمینی و تربیتی کاهش آسیب‌های اجتماعی است. در حالی که محرومیت طولانی مدت خانواده از حضور مادر خود زمینه‌ساز آسیب‌های متعدد اجتماعی است. به نظر می‌رسد نظام عدالت کیفری زنان نه تاب تبعیض‌های ناروا علیه زنان را دارد و نه تاب تحمل نگرش‌های حمایتی پدرانه یا پدر سالارانه را. باید واقعیت‌های زنان و به تبع آن رفتارهای مجرمانه‌شان را بهتر شناخت و از انگاره‌های سنتی و گاه مبهم موجود فاصله گرفت. (همان، ۵۵)

یافته‌ها

فرض (۱) به نظر می‌رسد بین عدم پذیرش (خانواده، اجتماع) افراد با میزان تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان رابطه معکوس وجود دارد همان‌طور که طبق فرض انتظار داشتیم، ارتباط معکوس بین این دو وجود دارد یعنی با افزایش میزان پذیرش اجتماعی از تکرار جرم کاسته می‌شود.

نتایج همبستگی				
		ارتکاب جرم		پذیرش اجتماعی
آمار هاسپیرومن	ارتکاب	ضریب همبستگی	۱.۰۰۰	-۰.۱۵۴
		سطح معنی‌دار دو طرفه	۰	۰.۰۲۸
	جرم	ضریب همبستگی	-۰.۱۵۴	۱.۰۰۰
		سطح معنی‌دار دو طرفه	۰.۰۲۸	۰

فرض ۲) بین عوامل محیطی زندان با تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان همبستگی وجود دارد.

نتایج آزمون همبستگی					
گروه			ارتکابات مجدد	برنامه‌های تفریحی زندان برای تقویت روحیه	
آمار هاسپیومن	زنان	ارتکاب مجدد	ضریب همبستگی	۱.۰۰۰	-۰.۰۸۴
			سطح معنی‌دار دو طرفه	۰	.۴۱۴
		برنامه‌های تفریحی زندان برای تقویت روحیه	ضریب همبستگی	-۰.۰۸۴	۱.۰۰۰
			سطح معنی‌دار دو طرفه	.۴۱۴	۰
	مردان	ارتکاب مجدد	ضریب همبستگی	۱.۰۰۰	-۰.۰۳۶
			سطح معنی‌دار دو طرفه	۰	.۷۱۴
		برنامه‌های تفریحی زندان برای تقویت روحیه	ضریب همبستگی	-۰.۰۳۶	۱.۰۰۰
			سطح معنی‌دار دو طرفه	.۷۱۴	۰

ارتباط میان این دو متغیر در صورت وجود، در جهت منفی خواهد بود یعنی اینکه هرچه این برنامه‌های تفریحی بیشتر باشد تکرار جرم آنها کمتر است.

فرض ۳) بین جرم اول و تکرار جرایم بعدی رابطه معنادار وجود دارد. واضح است که میان نوع جرم اول و جرم‌های بعدی ارتباط کاملاً معنادار وجود دارد. اینک به بررسی نحوه این ارتباط می‌پردازیم. دیده می‌شود که نوع جرم‌ها چه در کل و چه در هر گروه رابطه مستقیم و کاملاً معناداری باهم دارند.

نتایج همبستگی				
			نوع جرم اول	نوع جرم فعلی
آمار هاسپیومن	نوع جرم اول	ضریب همبستگی	۱.۰۰۰	.۴۳۰
		سطح معنی‌دار دو طرفه	۰	.۰۰۰
	نوع جرم فعلی	ضریب همبستگی	.۴۳۰	۱.۰۰۰
		سطح معنی‌دار دو طرفه	.۰۰۰	۰

نتایج آزمون همبستگی						
گروه			نوع جرم اول	نوع جرم فعلی		
آمار هاسپیرومن	زنان	نوع جرم اول	ضریب همبستگی	۱.۰۰۰	۰.۶۰۶	
			سطح معنی‌دار دو طرفه	۰	۰.۰۰۰	
		نوع جرم فعلی	ضریب همبستگی	۰.۶۰۶	۱.۰۰۰	
			سطح معنی‌دار دو طرفه	۰.۰۰۰	۰	
	مردان	نوع جرم اول	ضریب همبستگی	۱.۰۰۰	۰.۳۷۴	
			سطح معنی‌دار دو طرفه	۰	۰.۰۰۰	
		نوع جرم فعلی	ضریب همبستگی	۰.۳۷۴	۱.۰۰۰	
			سطح معنی‌دار دو طرفه	۰.۰۰۰	۰	

فرض ۴) بین میزان خدمات مراکز مراقبت بعد از خروج، با تکرار جرم و بازگشت مجدد رابطه معنادار وجود دارد.

واضح است که استفاده هرچه بیشتر از این کمک‌ها در جهت کاهش میزان ارتکاب به جرم موثر بوده چرا که رابطه از نوع معنی‌دار و منفی است.

فرض ۵) به نظر می‌رسد بین عوامل فردی و بازگشت به زندان رابطه وجود دارد. نتایج آماری نشان می‌دهد، بین دو متغیر عوامل فردی با تکرار جرم و بازگشت مجدد افراد به زندان رابطه وجود دارد به عبارتی گرایش به تکرار جرم در سنین (۱۹-۴۰) بیشتر بوده است. همچنین مردان و کسانی که سطح تحصیلات کمتر، بیکار یا شغل آزاد داشته‌اند و کسانی که در حاشیه شهر در منزل استیجاری سکونت داشتند گرایش به تکرار جرم در بین آنها بیشتر بوده است.

نتایج آزمون همبستگی						
گروه			ارتکاب مجدد	میزان استفاده از کمک‌های انجمن		
آمار هاسپیرومن	زنان	ارتکاب مجدد	ضریب همبستگی	۱.۰۰۰	-۰.۰۷۲	
			سطح معنی‌دار دو طرفه	۰	۰.۴۷۸	
		میزان استفاده از کمک‌های انجمن	ضریب همبستگی	-۰.۰۷۲	۱.۰۰۰	
			سطح معنی‌دار دو طرفه	۰.۴۷۸	۰	
	مردان	ارتکاب مجدد	ضریب همبستگی	۱.۰۰۰	-۰.۰۴۷	
			سطح معنی‌دار دو طرفه	۰	۰.۶۳۲	
		میزان استفاده از کمک‌های انجمن	ضریب همبستگی	-۰.۰۴۷	۱.۰۰۰	
			سطح معنی‌دار دو طرفه	۰.۶۳۲	۰	

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

بین دو متغیر، مستقل با متغیر وابسته همبستگی وجود دارد و جهت ارتباط آنها معکوس می‌باشد، به عبارتی زندان موجب طرد اجتماعی زندانی می‌شود به طوری که درصد قابل توجهی از خانواده‌ها، اقوام، دوستان و هم محله نسبت به مجرم آزاد شده بی‌اعتنا شده و هیچ تمایلی به معاشرت با وی از خود نشان نمی‌دهند. این امر سبب می‌شود که حس انتقام و کینه‌به جای عبرت و عاطفه در دل زندانی آزاد شده به وجود می‌آید و هر چه بیشتر از جامعه و اطرافیان فاصله گیرد. فرد به دور از نظارت و کنترل اجتماعی باز به ارتکاب اعمال مجرمانه مبادرت می‌ورزد. بنابراین هر چقدر پذیرش زندانیان آزاد شده از سوی خانواده و جامعه و محل کار کمتر باشد و این افراد مورد بی‌توجهی قرار گیرند، تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان بیشتر خواهد بود. نتیجه این تحقیق همسو با یافته‌های تجربی و نظری عبدی (۱۳۸۱)، پاکیده و مهدوی (۱۳۸۷)، اوهلین (۱۹۲۵ تا ۱۹۳۵) است که معتقدند هر چه افراد پس از آزادی از سوی خانواده و جامعه کمتر مورد پذیرش قرار گیرند و کنترل نشوند به مراتب بیشتر مرتکب جرم می‌شوند و به زندان باز می‌گردند؛ همچنین این تحقیق همسو با مطالعات پارسونز (۱۹۴۹)، بلومر (۱۹۵۱)، مرتن (۱۹۸۶)، هیرشی (۱۹۶۹) که معتقد بودند، کجروی ناشی از همبستگی ناقص میان حرکت اجتماعی جامعه و حرکت فردی، انسان‌های سازنده جامعه است و زندان و زندانی شدن عاملی است که بازدارنده حرکت و تغییر مثبت در فرد می‌شود، به گونه‌ای که زندانی پس از آزادی با روند تغییرات جامعه بیگانه است و به مهارت‌های لازم برای کار و پیشرفت اجتماعی مجهز نیست. بین دو متغیر مستقل و وابسته همبستگی وجود دارد، به عبارت دیگر هر چقدر عوامل محیطی زندان (امکانات رفاهی، ملاقاتی و...) نامناسب‌تر باشد، تکرار جرم و بازگشت مجدد افراد به زندان بیشتر خواهد بود. موضوع تفکیک که هدف آن ترویج نشدن بیشتر فرهنگ جرم در بین زندانیان است همیشه مورد توجه اغلب کشورها بوده است. چنانچه طبقه‌بندی بر مبنای اصول علمی انجام نگیرد تا پذیرش از سوی جامعه مطابق با شاخص علمی روی افراد اعمال گردد، مثلاً جوانی که از لحاظ سنی باید در کانون اصلاح و تربیت نگهداری شود و پذیرش از سوی جامعه مطابق با سن و موقعیت او صورت نگیرد و امکانات لازم برای بازسازی وی وجود نداشته باشد و به سایر بندها که به لحاظ سنی و نوع جرم با او تفاوت دارند فرستاده شود، نهایتاً گرایش جوان به برخی آسیب‌ها و انحرافات در داخل زندان بیشتر خواهد شد. نتیجه این تحقیق همسو با یافته‌های عبدی (۱۳۸۱)، نجفی توانا و میلیکی (۱۳۸۶)، راهب (۱۳۸۶) است که معتقد بودند زندان و نارسایی‌های آن و همچنین عوامل حاکم بر محیط آن در تکرار جرم اثر می‌گذارد؛ همچنین این نتیجه همسو با مطالعات ساترلند (۱۹۴۹)، کوهن و اوهلین (۱۹۵۴)، دورکیم (۱۹۷۶) می‌باشد که معتقد بودند، محیط‌های زندگی نامناسب از عوامل تأثیرگذار در پیدایش جرم است و افراد از طریق ارتباط با گروه‌هایی که حامل هنجارهای تبهکارانه هستند، در صورتی که محیط‌های دیگر چنین نیستند رفتار تبهکارانه را فرا می‌گیرند. بنابراین محیط زندان می‌تواند یکی از عوامل مهم تأثیرگذار در تکرار زندانیان باشد. بین دو متغیر جرم اول با جرایم بعدی رابطه معنی‌داری وجود دارد، به عبارتی یادگیری و آشنایی با جرایم جدید در زندان در اجرای جرایم

قبلی، فرد را با تجربه‌تر می‌کند و در شدت و تکرار جرایم بعدی تأثیرگذار است؛ زیرا یکی از مؤثرترین عوامل تأثیرگذار بر رفتار زندانیان محیط اجتماعی زندان و خرده فرهنگ زندانیان است. خرده فرهنگ زندانیان قواعد نانوشته‌ایست که خود را بر رفتار زندانیان تحمیل می‌کند و زندانیان به خصوص زندانیان جوان و افرادی که برای اولین بار وارد زندان می‌شوند آن را می‌آموزند و در نتیجه پس از آزادی آن را در جامعه تکرار می‌کنند. بین دو متغیر مستقل، با متغیر وابسته همبستگی وجود دارد؛ به عبارت دیگر هر چقدر میزان خدمات‌دهی مرکز مراقبت بعد از خروج از لحاظ خدمات مددکاری، مشاوره و اعطای تسهیلات بانکی در جهت ایجاد اشتغال کمتر باشد، تکرار جرم و بازگشت مجدد افراد به زندان بیشتر خواهد بود؛ زیرا این مراکز می‌توانند نقش بسیار مهم و ارزنده را در سرنوشت فرد بزهکار بعد از آزادی از زندان داشته باشد. بنابراین یکی از نقش‌های سیار مهم این مرکز پیشگیری از بزه مجدد توسط مجرم و پیشگیری از بازگشت مجدد به زندان می‌باشد. نتیجه این تحقیق همسو با یافته‌های تجربی و نظری اسداللهی و ولی‌زاده (۱۳۸۶)، هینس (۱۹۹۰) که معتقد بودند هرچه افراط پس از آزادی کمتر مورد حمایت و مراقبت قرارگیرند، بیشتر مرتکب جرم می‌شوند، می‌باشد؛ همچنین این تحقیق همسو با مطالعات هیرشی (۱۹۶۹)، دورکیم (۱۹۷۶) می‌باشد که معتقد بودند ضعف مراقبت و کنترل اجتماعی، در عدم تعادل زندگی و انتظام اجتماعی و هم‌نوایی اعضای جامعه، در جهت پذیرش از سوی جامعه افراد آزاد شده از سوی زندان و جلوگیری از انحرافات و کجروی‌های آنان نمایان است. همچنین انحراف را نتیجه نارسایی کنترل اجتماعی می‌دانند. در نتیجه، ناکافی بودن اقدامات مراکز مراقبت بعد از خروج، در گرایش افراد آزاد شده به انحرافات اجتماعی و تکرار جرم تأثیرگذار است. بین دو متغیر عوامل فردی (با لحاظ متغیرهای سن، تحصیلات، شغل، نوع مسکن و...) با تکرار جرم و بازگشت مجدد افراد به زندان رابطه وجود دارد؛ به عبارتی افرادی که در سنین «۱۹-۴۰» بوده گرایش به تکرار جرم در آنها بیشتر بوده است. همچنین مردان و کسانی که سطح تحصیلات کمتر از ابتدایی، بیکار یا شغل کارگری داشته‌اند و کسانی که در حاشیه شهر در منزل استیجاری سکونت داشته‌اند گرایش به تکرار جرم در آنها بیشتر بوده است. نتیجه این تحقیق همسو با یافته‌های تجربی و نظری پاکیده و مهدوی (۱۳۸۷)، حیدری (۱۳۸۹)، عبدی (۱۳۸۱)، تحقیق کمبریج (۱۹۶۲) است که همگی مبین تأثیر عوامل فردی در گرایش به تکرار جرم می‌باشد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که با توجه به مشکلاتی که برای زنان چه قبل از زندان و چه در زندان وجود دارد؛ جایگزین‌های مجازات حبس ضروری است که مغفول افتاده و قضات می‌بایست این موارد را مدنظر داشته سپس اقدام به انشای رأی کنند. ورود به زندان موجب بدتر شدن سطح زندگی فرد می‌شود، طرد اجتماعی، برچسب بزهکار، بیکاری و... پیامدهای حبس هستند. در مجموع زندان برای ترکیب کامل دو هدف جلوگیری از ارتکاب جرم از طرف مردم عادی یا تأثیر در مجرم در جهت هم‌نوایی با ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی نه تنها میسر نیست بلکه، در بسیاری از موارد این دو هدف متضاد یکدیگرند. مگر آنکه تفکیکی جدی میان مجرمان صورت گیرد. با زدن برچسب یکسان «مجرم» به کلیه کسانی که از حدود قانونی تجاوز کرده‌اند، نمی‌توان و نمی‌باید با تمامی آنان برخورد یکسان داشت، بلکه

باید مجرمان را به دو گروه تقسیم کرد، گروهی که هدف از مجازات آنان مقدم بر بازپروری آنهاست و گروهی که هدف باز پروری مقدم بر مجازات آنان است. (حسینی نژاد، ۱۳۷۸، ۱۴۱-۱۴۲). در این صورت زندان‌های موجود برای گروهی مناسب است که در درجه‌ی اول قصد مجازات آنان وجود دارد و برای گروه دیگر باید به فکر اعمال روش‌ها یا مکان‌های دیگری با مقررات کاملاً متفاوت بود، حتی می‌توان برای محیط جدید نامی متفاوت با زندان را برگزید که دارای معنا و مفهوم اجتماعی متفاوتی با زندان باشد اگرچه این پیشنهاد ممکن است به این معنا باشد که تعیین مجازات براساس مجرم باشد نه براساس جرم و ممکن است به مفهوم شخصی کردن مجازات باشد و موجبات سوءاستفاده را فراهم آورد. (کلارکسون، ۱۳۷۱، ۲۵۱) برای کاهش جرایم و تعداد مجرمان، بسنده کردن به سیاست تشدید مجازات چاره‌ساز نیست، وانگهی احتمالاً در ایران کنونی شکاف میان اخلاق با قانون نسبتاً زیاد است. دست کم فشارهای ساختاری برای قانون به حدی است که جامعه را با بحران مواجه کرده است، از سوی دیگر میان عوامل یگانه‌ساز فرد با جامعه، خانواده، مدارس، رسانه‌ها، محیط‌های شغلی و نهادهای مذهبی ... انسجام کافی وجود ندارد. اگرچه حذف کامل جرم و مجرم از جامعه شدنی نیست، چرا که شاید جرم پدیده‌ای بهنجار و حتی به قول دورکیم عاملی از عوامل سلامت عمومی و جزء تفکیک ناشدنی هر جامعه‌ی سالم باشد (دورکیم، ۱۳۸۰، ص ۹۰)، ولی مسلم است که تداوم وضع کنونی امکان‌پذیر نیست. بنابراین چاره‌ای نیست جز این که نظام کیفری جدیدی پایه‌ریزی شود و این خود مستلزم دست یافتن به دیدگاه و وضعیت جدیدی در حوزه‌های سیاست و حکومت است.

با توجه به یافته‌های پژوهش پیشنهاد می‌گردد:

- ❖ اتخاذ تدابیر خاص برای مادران زندانی که کودکان خود را نگه می‌دارند، تدابیر خاصی اتخاذ شود.
- ❖ ایجاد مرکز مشاوره زنان مجرم با هدف ایجاد یک رشته اقدامات مراقبتی در داخل و خارج از زندان به منظور رفع نیازهای زنان مجرم.
- ❖ بیمارستان و مراکز روان درمانی برای زنان زندانی.
- ❖ به منظور تسهیل و گسترش برقراری روابط کودکان با مادران زندانی، اتاق‌های ملاقات با توجه به نیازهای کودکان در سنین مختلف در زندان ایجاد گردد.
- ❖ فرهنگ‌سازی پذیرش زندانی از سوی خانواده و جامعه پس از آزادی، از طریق وسایل ارتباط جمعی.
- ❖ افزایش مهارت‌های شغلی در زندان تا پس از آزادی با مشکل بیکاری مواجه نشوند.
- ❖ استفاده جدی از مجازات‌های جایگزین حبس.
- ❖ کاهش تراکم زندانی تا استانداردهای موجود در زندان.

فهرست منابع

۱. آشوری، محمد، ۱۳۸۳، «جایگزین‌های زندان یا مجازاتی بینابین»، تهران نشر گرایش، چاپ دوم.
۲. جانقلی، مصطفی، ۱۳۸۹، «بررسی تأثیر مراقبت‌های بعد از خروج بر میزان تکرار جرم مددجویان زن آزاد شده از زندان»، ماهنامه اصلاح و تربیت، تهران، شماره ۹۶.
۳. حسینی‌نژاد، حسینقلی، ۱۳۷۸، «دفاع اجتماعی با نظری کوتاه درباره‌ی حقوق کیفری»، مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی. تهران، شماره ۹.
۴. حاتمی خواجه، نادر، ۱۳۸۶، «مقاله علمی، پذیرش از سوی جامعه زندانیان» مجموعه مقالات اولین همایش بین‌المللی کاهش استفاده از مجازات زندان، تهران، راه تربیت.
۵. حیدری، صفر، ۱۳۸۹، «بررسی تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان در میان زندانیان شهرستان آمل»، ماهنامه اصلاح و تربیت، تهران، شماره ۹۹.
۶. دورکیم، امیل، ۱۳۸۰، «قواعد روش جامعه‌شناسی»، ترجمه علی‌محمد کاردان، تهران، دانشگاه تهران.
۷. شیکر، دیوید، ۱۳۸۹، «مفهوم و ماهیت مجازات»، ترجمه دکتر حسین آقایی جنت مکان، ناشر دانشگاه شهید چمران اهواز.
۸. شیخاوندی، داور، ۱۳۷۹، «آسیب‌شناسی جامعه و جامعه‌شناسی انحراف»، تهران، نشر و پخش، چاپ دوم.
۹. شمس، علی، ۱۳۸۷، «آمار ورودی زندان‌های ایران»، تهران، راه تربیت، چاپ اول.
۱۰. صدیق سروستانی، رحمت‌الله، ۱۳۸۷، «آسیب‌شناسی انحرافات اجتماعی»، تهران، سمت، چاپ دوم.
۱۱. طغرانگار، حسن، ۱۳۸۷، «زنان زندانی و جایگزین‌های مجازات حبس؛ ضرورتی مغفول»، ماهنامه اصلاح و تربیت، تهران، شماره ۷۲.
۱۲. غلامی، حسین (۱)، ۱۳۸۷، «تکرار جرم بررسی حقوقی - جرم‌شناختی»، تهران، میزان.
۱۳. غلامی، حسین (۲)، ۱۳۸۲، «تکرار جرم به عنوان حرفه مجرمانه»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۶۲.
۱۴. گیدنز، آنتونی، ۱۳۸۷، «جامعه‌شناسی»، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نی، چاپ نوزدهم.
۱۵. گلچین، مسعود، ۱۳۸۵، «انحراف اجتماعی جوانان در آیین پژوهش‌ها»، نامه علوم اجتماعی، تهران، شماره ۲۸.
۱۶. معظمی، شهلا، ۱۳۸۳، «بررسی جرم‌شناختی جرایم زنان»، مجموعه مقالات علوم جنایی، تهران، سمت، چاپ اول.
۱۷. مقیسه، مریم و متولی خامنه، مرتضی، ۱۳۸۸، «تأثیر زندان بر زندانی از منظر آسیب‌شناسی»، ماهنامه اصلاح و تربیت، تهران، شماره ۹۳.

۱۸. نوروزی، بهرام و بارانی، محمد و سرکشیکیان، سید محمد حسین، ۱۳۹۰، «پیشگیری از جرم از نظریه تا عمل با تأکید بر نقش پلیس»، تهران، شرکت ناجی نشر
۱۹. ولد، جرج؛ برنارد، توماس؛ اسنیس، جفری؛ ۱۳۸۸، «جرم‌شناسی نظری»، ترجمه علی شجاعی، تهران، سمت، چاپ سوم

20. Allen j. Beck, Recidivism of Prisons Released in 2005, U.S.Department of Justice .2009

21. Pratt, J ohn .Penal Populism, R outledge, 2007

22. www.dadsima.com/page_625.html